حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی - اسلامی
نمونه پژوهش میدانی: بافت قدیم شهر شیراز

علی منصوری *

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۲/۱٤
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۰۳/۱٦

چکیده

زندگی و رفتارهای اجتماعی انسانها تابع فرهنگی است که در آن زاده شده و پروریده‌اند. قطعاً این فرهنگ حاصل جغرافیاست، جغرافیای انسانی و طبیعی. این جغرافیا، انسان ساختها را بصورت چشم اندازهای خاصی که نیازهای زمان را برطرف کند، جلوه گر می‌سازد. یکی از این انسان ساختها و یا از مهمترین آنها، مساکن و معماری مساکن است. در هر فرهنگی این مساکن با توجه به جغرافیای همان فرهنگ ساخته می‌شود از جمله؛ دین، ادبیات، آب و هوا، ارتفاع و ... . این جغرافیا در کشور ایران نمودهای ویژه‌ای را در ساخت و سازها از خود برجای گذاشته که نمود فرهنگ درونگرایی و رعایت حجاب در ساخت و سازها یکی از آنهاست. این فرهنگ در بافت قدیمی تمامی شهرهای ایران وجود دارد. شهر شیراز یکی از شهرهایی است که به دلیل سابقه طولانی، این سنت را درون خود حفظ کرده لیکن نه در معماری کنونی و صنعتی که در معماری بافت قدیم. رعایت نکردن فرهنگ درونگرایی مغایرتهای شدید و بنیان کنی را در ساخت و سازها ایجاد کرده که یکی از پیامدهای آن نابودی فرهنگ بومی در ساخت و سازهاست و قطعاً ویرانی سایر نمودهای فرهنگی را در این مروز بوم در پی خواهد داشت. به عبارت دیگر، معماران کنونی چنان مسحور شیوه‌های غربی شده‌اند که رعایت فرهنگ بومی را باید در ساخت و سازهای قدیمی جستجو کرد. اما سنت حجاب و پوشیدگی که حتی در کنده کاری‌های ۲۰۰۰ ساله رعایت شده، می‌تواند هم اکنون در تلفیق سنت و صنعت رعایت شود و ما از شیشه‌های سکوریت، تراس‌های پرده گذاری شده و یا شبکه‌ای، آشپزخانه‌های باز (Open) و اجباراً پرده گذاری شده، و فرار از منازل بدون در و دیوار و ... نجات یابیم. دیوارها و درب‌های (دروازه‌ها) ورودی حیاطها، ورودی خانه‌ها، آشپزخانه‌ها، حمامها و دستشویی‌ها با رعایت سنت پوشیدگی، هنوز هم می‌توانند حریم امن و حجاب را در مساکن بوجود بیاورند. این مقاله بحث را در دو قسمت:

۱- پیش زمینه شامل الف- درونگرایی ساخت مساکن بومی ب- برون گرایی درمعماری جدید (معماری غربی) پ- بافت قدیم شیراز (درحال تخریب) ۲- بحث اصلی شامل جغرافیای مساکن، فرهنگ درونگرایی، فرهنگ برونگرایی، درونگرایی و اصل بازگشت به خویش ارائه خواهد داد.

واژگان کلیدی: حجاب، معماری، اندرونی، بیرونی، جغرافیای انسانی، شهرسازی، معماری بومی، پاویلیون[۱]، پردیس[۲].

* استادیار گروه جغرافیا دانشکده علوم پایه دانشگاه آزاد اسلامی شیراز

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

مقدمه

سکونتگاهها و بالطبع معماری ساخت این سکونتگاهها، ناگهانی و قارچ گونه از زمین نرسته‌اند بلکه عصاره فرهنگ، تمدن و جغرافیای مکان خودند، هم از نظر جایگاه و هم از نظر نحوه ساخت اجزای داخلی مساکن. این جغرافیا گاهی همراه بوده با امنیت که فضاها را باز و گسترده ساخته و برعکس در زمان بحران، مساکن را بسته و محدود و متصل به هم ساخته‌اند بدون فضای باز. بنابراین نمای بیرونی و فضای درونی یک بنا و یا بناهای یک سرزمین حاصل، فرهنگ حاکم و جغرافیای زمان خود است. این چارچوبه، نسل به نسل منتقل شده تا به نسل حاضررسیده وبه یکباره گذشتن از آنها قطعاً نابودی فرهنگ و ملت را در پی خواهد داشت.

انسانها از غارنشینی به سوی کوچ نشینی- روستانشینی و سرانجام به شهرنشینی رسیدند با این هدف که به راحتی و رفاه رسیده باشند، به دلیل سختی و مشقتهای آن نوع زندگی. مهمترین اصل درایجاد این رفاه، خصوصی بودن زندگی در اندرون مساکن و بنا بود، به ویژه در کشور، دین و مذهب ما.

سکونتگاهها و بالطبع معماری ساخت این سکونتگاهها، ناگهانی و قارچ گونه از زمین نرسته‌اند بلکه عصاره فرهنگ، تمدن و جغرافیای مکان خودند، هم از نظر جایگاه و هم از نظر نحوه ساخت اجزای داخلی مساکن

این حریم‌ها که در شهرسازی و مساکن و ابنیه‌ها وجود داشت، ما از آنها به «حجاب» در شهرسازی

معماری ایرانی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی است که اقلیم، ملیت و دین را در هم آمیخته و دارای مشخصاتی همچون طراحی مناسب، محاسبات دقیق، فرمهای صحیح پوششی، رعایت مسایل علمی، ایوانهای بلند و تزئینات گوناگون، و در عین سادگی، بر اصولی همچون، خودکفایی، پرهیز از بیهودگی و درونگرایی، و «حجاب» استوار است

(معماری) نام می‌بریم، به عبارتی دیگر، «حجاب» در معماری ایرانی-اسلامی. به عنوان نمونه، درب ورودی حیاط (دروازه‌ها) در حال حاضر به گونه‌ای است که به محض باز شدن درب، کل حیاط در معرض دید خارجی قرار می‌گیرد حتی دربهای انفرادی و حیاط‌های بزرگ اعیان و اشراف شهر و در حقیقت در زمان کنونی به فضایی در معماری رسیده‌ایم که عریان سازی و نماسازی و پرده دری و بی‌پروایی، شاکله ساخت و سازهاست، بویژه در ورودی‌ها. در صورتی که در معماری گذشته درب‌های ورودی L مانند بودند، پردیس داشتند و به هیچ وجه حیات در معرض دید بیرونی قرار نمی‌گرفت و امروزه این شیوه به کنار گذاشته شده است. در اندرونی منازل، مثلاً آشپزخانه‌های OPEN سمبلی شده‌اند در معماری این دیار. به عبارتی دیگر، فرآیند حرکت از درون گرایی به برون گرایی. به عنوان نمونه درونگرایی و برونگرایی در ساخت ارگ کریمخانی از لحاظ زیبایی و تنوع رنگ و نقاشی تناسبی با هم ندارد و بیشتر به درون پرداخته شده است. معماری ایرانی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی است که اقلیم، ملیت و دین را در هم آمیخته و دارای مشخصاتی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

همچـون طراحـی مناسـب، محاسـبات دقیـق، فرمهـای صحیح پوششی، رعایت مسایل علمی، ایوانهـای بلنـد و تزئینات گوناگون، و در عین سادگی، بر اصولی همچون، خودکفایی، پرهیز از بیهودگی و درونگرایی، و «حجاب» استوار است. همه اینهـا حاصـل فرهنـگانـد، فرهنگـی چندین هزار ساله در ساخت و سازها. خواننـده پـس از مطالعه این مقاله درخواهد یافت که طراحی‌های سنتی و بومی که امروزه در مساکن ما به کنـاری نهـاده شـده‌انـد ارزش باززنده سازی و رعایت مجدد را دارند.

هدف

تحلیـل، بررسـی و باززنـده سـازی تفکـر رعایـت «حجاب» در شهرسازی قدیم و بهینـه‌سـازی و بهبـود و رعایت آن در مساکن فعلی، چه شهری و چه روستایی.

سوالات مقاله

۱- درونگرایی در ساخت مساکن ایرانی-اسـلامی و نمودهای عینی این فرهنگ در زمان کنونی کدامند؟

۲- فرهنگ درونگرایی دراین مرزوبوم یـک سـنت است، آیا در مواجهه با صنعت، این سنت باید به کنـاری نهاده شده و شالوده صنعت بر ویرانه‌های این سـنت بنـا شوند؟

۲- باززنـده سـازی سـنت (فرهنـگ) درونگرایـی چگونه می‌تواند صورت بگیرد ؟

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از سه روش تحقیـق فـراهم شده است:

۱- توصیفی (تجزیه و تحلیل هر آنچه هـست) محاسن معماری بومی؛

۲- عِلّی (چرا چنین است؟)؛ عوامل ایجادکننـده این نوع از معماری

۳- عَمَلی (چه باید باشد؟) در زمان کنـونی هـم می‌توان از تلفیق سـنت و صـنعت، معمـاری بـومی را زنده کرد و رواج داد.

ابزار کار در این تحقیق کتابها بوده‌اند که در متن و پایان به آنها اشاره شده است. ابزار دیگر مـشاهدات میدانی بوده که بدنه این مقاله را بـه خـود اختـصاص داده است.

پیش زمینه

الف- درونگرایی ساخت مساکن بومی

«هر فرهنگی چشم انداز خاص خود را به وجود می‌آورد. یکـی از واضـح‌تـرین و قابـل رویـت تـرین سیمای چشم انداز قومی، در معماری آن نهفته اسـت. محصول معماری آن چیزی نیست که توسط مهندسین روی میز نقشه کـشی رسـم مـی‌شـود، بلکـه حاصـل خاطرات جمعی مردمان سنتی است. ایـن سـاختمانها اعم از خانه، اصطبل، کلیسا و یا قهوه خانه هرگـز بـر چاپ اوزالید متکی نبوده، بلکه بر تصاویر ذهنی که از نسلی به نسل دیگر اندکی تغییر یافته، تکیه دارد. تری ولستر،۱۳۸۰، ۲۹۰»

خانه در فرهنگ بومی و مذهبی ما جایگاهی بود مشحون از رفاه و راحتی، رعایت اصول امنیتی و فراهم شدن مفهوم "چـاردیواری اختیـاری"، بـرعکس ایـن تفکر، امروزه پذیرای شیشه‌های سکوریت، پنجره‌های اریب و آشپزخانه‌های کنار توالت و حمام شده‌ایم.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

«هنر معماری در جهان اسلام دارای چهار شیوه بوده که عبارتند از شیوه مصری، شامی، مغربی و ایرانی. شیوه ایرانی از همه ارزشمندتر و گسترده‌تر بوده که در برگیرنده کشورهای عراق، ایران، افغانستان، ازبکستان، هند، اندونزی و ... بوده است و همه سرزمین‌هایی که ایرانیان در گشودن آنها سهیم بوده‌اند. پیرنیا، ۱۳۸۷، ۲۳»

اصل بر این بوده که در حد امکان «حجاب» در ساخت مساکن رعایت شود و ساکنین از مطبوعیت هوا و محیط مناسب برخوردار باشند به عنوان نمونه بیشتر منازل قدیمی در شیراز در وسط حیاط حوض داشتند و پاشویه و درخت و ماهی.

هنر معماری در جهان اسلام دارای چهار شیوه بوده که عبارتند از شیوه مصری، شامی، مغربی و ایرانی. شیوه ایرانی از همه ارزشمندتر و گسترده‌تر بوده که در برگیرنده کشورهای عراق، ایران، افغانستان، ازبکستان، هند، اندونزی و ... بوده است

«موضوع قابل اهمیت، طرح درونگرایی خانه‌هاست. در خانه‌هایی که ساخته شده‌اند ساکنین آنها احساس ناراحتی نمی‌کردند. اندرون خانه‌ها یا جایی که زن و بچه‌ها زندگی می‌کردند، می‌بایست تنوع زیادی داشته باشد. آشپزخانه را در جایی می‌ساخته‌اند که زن خانه بتواند به راحتی در آن کار کند و کسی او را نبیند. پیرنیا، ۱۳۷٤، ۱۵٤ » برخلاف آشپزخانه‌های امروزین که یا جدا نشده اند و یا در حد یک متر دیواره دارند و پس از آن مجبور شده و برای آن پرده گذاشته‌اند که میهمان‌ها درون آشپزخانه را نبینند.

در معماری سنتی، ورودی‌ها را به گونه‌ای ساخته‌اند که در صورت باز بودن، داخل حیاط پیدا نباشد با ساخت پردیس‌ها، برخلاف دروازه‌های امروزین یا ورودی‌ها.



تصویر شماره ۱: ورودی خانه زینت الملک. دو سکو برای نشستن در حالت انتظار و گریز از آفتاب یا باران؛ در حالیکه درب حیاط (دروازه) باز است درون حیاط به هیچ وجه قابل رویت نیست.



تصویر شماره ۲: ورودی ارگ کریمخانی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

یکی دیگر از اصول درونگرایی در سکونتگاهها، حلقه یا بکوبهایی بود که در قسمت بیرونی دربهای ورودی (دروازه) کار می‌گذاشتند که برای زنها بصورت حلقه‌ای بود و برای مردها بصورت کوبه‌ای و چکشی و از دو فلز متفاوت ساخته می‌شدند برای ایجاد صداهای مختلف، که از درون حیاط مشخص باشد که مرد پشت در است یا زن! از این نوع دروازه‌ها در حال حاضر در بخش قدیمی شهر شیراز یافت می‌شود. «فضاها و راهروهای پیچ در پیچ منتهی به حیاطهای اندرونی و بیرونی مانع دید افراد غریبه به داخل حریم مقدس خانه می‌شده است. ایجاد مکث، تقسیم فضایی، و فضایی جهت انتظار، از عملکردهای جالب این عنصر می‌باشد. پیرنیا، ۱۳۷٤، ۱٦۰» این فضاها در ورودی ارگ کریمخانی هم اکنون هم وجود دارد همچنین در نارنجستان قوام و خانه زینت الملک.



تصویر شماره ۳: ورودی ارگ کریمخانی. برای ورود به حیاط باید از پردیس روبرو گذشت یا برای ورود به حیاط باید دو زاویه قائمه را طی کرد.

پس از عبور از درب اصلی و وارد شدن به این محوطه باید از پردیس روبرو گذر کنیم تا وارد حیاط شویم یا از دو زاویه قائمه بایستی عبور کرد. برخلاف دربهای ورودی حیاطهای کنونی که به محض باز بودن، کل حیاط در معرض دید بیرونی قرار می‌گیرد.

«اطاق سه دری، اطاق خواب بوده و نکته جالب برای سردرها و دیگر اطاقها این بوده که هیچوقت از فضای آزاد وارد آنها نمی‌شدند و در کنار هر کدام راهرویی در نظر گرفته می‌شد. کیانی، ۱۳۷٤، ۸۵ » و سرانجام اینکه «واژه درونگرایی قبل از اینکه رنگ معماری به خود بگیرد از دیدگاه اخلاقی و عرفانی نیز در برگیرنده معانی و مفاهیمی ارزشی و هنجاری است. مثلاً تودار بودن و گرایش به حالات درونی و پرهیز از نشان دادن آن حالات بصورت تظاهر. تاجایی که معماری ایران از این نظر که در نمای بیرونی آن و در گذرهای پر پیچ وخم چیزی جز خشت و گل دیده نمی‌شود ولی در داخل دنیایی از زیبایی دارد، درونگرا نامیده می‌شود. معماریان، ۱۳۷۵، ۱۲»

ب- برون‌گرایی در معماری جدید (معماری غربی)

«در بیرون از ایران، معماری، برونگراست. پیرنیا، ۱۳۷٤، ۳۱٦» به این عبارت که عریان سازی و توجه به بیرون بیشتر از پرده پوشی و توجه به درون در معماری رواج دارد. برونگرایی ظاهرسازی است و ظاهرسازی پیامد مد است و مصرف. سبک باروک توجه‌اش به نمای ساختمان است از بیرون.

در برونگرایی اصل برفضای بیرونی بود مثل توجه هر چه بیشتر در ساخت پیاده‌روها، پارک‌ها و بازه‌های منازل و نمای سمبلیک ساختمانها. «در خانه‌هایی که امروزه ساخته می‌شود در اغلب آپارتمانها مهمان از وسط اطاق می‌گذرد. خانم خانه

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

برای رفتن به آشپزخانه باید از وسط میهمان‌ها گذر کند. پیرنیا، ۱۳۷٤، دانشگاه علم و صنعت»

معماری امروزه ایران که از پیشینه خود جدا شده و رنگ و بوی غربی به خود گرفته لجام گسیخته به پیش می‌رود، به گونه‌ای که در آینده بطور کلی معماری اصیل ایرانی را بایستی در کتابها و نمایشگاهها جستجوکرد، چنانکه لباس‌های بومی و سنتی. در همین رابطه یکی از خانه‌های قدیمی و درونگرای شیراز به نام خانه صالحی تبدیل به موزه لباسهای بومی و سنتی شده که در نزدیکی شاهچراغ قرار دارد. موزه گذاری معماری و ... در حقیقت کنده شدن از جغرافیای خود است و قطعاً پیامدهای نامیمونی را به دنبال داشته و خواهد داشت.

ج- بافت قدیم شیراز (درحال تخریب)

تا پایان سلسله قاجاریه شهر شیراز در دیوار و قلعه محصور بود و دروازه‌هایی داشت، نشئت گرفته از همان زمینه درونگرایی، منتها در اینجا بیشتر امنیت نقش بازی می‌کرد. ورود و خروج به این شهر تنها از راه دروازه-هایی امکان‌پذیر بود که امروزه فقط اسمشان باقی مانده است مثلاً دروازه سعدی، دروازه کازرون، دروازه اصفهان، و دروازه قصابخانه و ... .

در این بافت، معماری اصیل ایرانی به خوبی دیده می‌شود و حتی تعداد زیادی از خانه‌ها توسط میراث فرهنگی به موزه تبدیل شده است. در این ساختمانها اصل «حجاب» به خوبی رعایت می‌شده است همراه با امنیت که فعلاً در این مقوله نمی‌گنجد. در این بافت، حریم خانه‌ها از بیرون کاملاً پوشیدگی را حفظ می کنند. انسان باید از کوچه‌های تنگ و دهلیز مانند عبور کند تا وارد حیاطی شود مشحون از زیبایی و تنوع و مغایر با هرآنچه در بیرون خود نمایی می‌کند. متاسفانه به دلیل

معماری امروزه ایران که از پیشینه خود جدا شده و رنگ و بوی غربی به خود گرفته لجام گسیخته به پیش می‌رود، به گونه‌ای که در آینده بطور کلی معماری اصیل ایرانی را بایستی در کتابها و نمایشگاهها جستجوکرد، چنانکه لباس‌های بومی و سنتی

بهینه نشدن زندگی، رفت و آمد، تعمیر خدمات رسانی و ... در این بافت و رویگردانی متمولین از زندگی در این بافت (همان زندگی که روزگاری اجدادشان آرزوی زندگی را در آن داشتند)، بشدت در حال ویرانی است که پیامدش ویرانی فرهنگی این مرز و بوم و استحاله فرهنگی و پذیرش تام و تمام فرهنگی غرب است بویژه در معماری شهری!

جغرافیای مساکن

مساکن، موجوداتی خلق الساعه نیستند که همانند قارچ و یا آتشفشان از دل زمین بیرون آیند بلکه حاصل گذشته‌اند، گذشته‌ای فرهنگی و هنجاری. فرهنگ و هنجاری که در هر جغرافیایی وجود دارد. در حقیقت مساکن و شکل و شمایل معماری همانند کتابی هستند که می‌توان ورق زد و تاریخ و فرهنگ یک ملت را از ابتدا تا انتها در آن خواند. بنابراین، مساکن حاصل جغرافیای خودند اعم از انسانی و طبیعی.

مساکن همانند لباسند که وظیفه‌اش پوشیدن اندرون است. اساساً مساکن و لباسها دو روی یک سکه‌اند که وظیفه‌شان پوشیدن اسرار است. در فرهنگ ایران زمین که سکونت و شهرنشینی چندین هزار

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

ساله را در خود جای داده است (چغازنبیل در شوش در خوزستان تاریخی ۷۰۰۰ ساله دارد) می‌توان به ترجمان این هدف از مساکن دست یافت که ایرانیان از همان ابتدا تفکرات مذهبی خود را در مساکن دخالت می‌داده‌اند و مهمترین وجه این تفکر رعایت پوشیدگی و حجاب بوده است که توسط اولین سلسله‌های حکومتی آریایی در این مرز و بوم رعایت می‌شده است. «مادها، معماریشان ملهم از افکار و اعتقادات مذهبی بوده است. زارعی، ۱۳۸۷، ۷۸»

در زمان کنونی می‌توان این پوشیدگی و حجاب را در ارگ کریمخانی در شیراز به خوبی مشاهده کرد. گرچه این ارگ در حقیقت محل زندگی خصوصی کریمخان بوده ولی برحسب ضرورت در همین حیاط هم پوشیدگی رعایت شده است. به عنوان نمونه به هیچ وجه در حال حاضر هم نمی‌توان از دروازه، درون حیاط را دید. «کوچه‌های پرپیچ و خم و خیابان و کوچه‌های بن بست ضمن آنکه می‌تواند نمادی برای جلوگیری از نفوذ و اثر چشم شیطان باشد به خلوت گزینی محله‌های شهر و محدودیت ترافیک کمک کرده و آسایش و آرامش را برای انسان به ارمغان آورد. صابری، ۱۳»

فرهنگ درونگرایی

جهان از بعد فرهنگی محصول یک ابزار است که از طریق آن، افراد، دنیای پیرامون خود را تفسیر و تعبیر می‌کنند و براساس آن زندگی. جهان از این زاویه دید از ارزشها، رسوم و هنجارهایی که یک جامعه خاص را تعریف می‌کند، ساخته شده است.

پوشاک، حمل ونقل، غذا، نمای بیرونی و درونی منازل و دکوراسیون و ... ، همگی به عنوان الگوهایی برای بیان معانی فرهنگی که جهان را می‌سازند، بکار می‌روند. فرهنگ انطباق پذیر است و شخص هر از گاهی جنبشهایی که با ارزشهای سنتی فرهنگ ناسازگارند، مشاهده می‌کند. به عنوان نمونه می‌توان از شیوع معماری غربی در این کشور نام برد که اساساً راهی جداگانه و روشی مغایر با این فرهنگ و آداب و رسوم را پیش گرفته و بولدوزر وار ساخته‌های خود را بر نابودی فرهنگ بومی بنا گذاشته است. اما فرهنگی که بطور اصولی براساس فرهنگ و جغرافیای خود بنا شده باشد قبل از آنکه از سایر فرهنگها تاثیر بپذیرد سعی می‌کند که فرهنگها را تغییر شکل داده و بپذیرد. در این میان " خودباختگی و استحاله فرهنگی" صورت نمی‌گیرد. برآورد مقاله این است که معماران ما می‌توانند در ساخت و سازها، سنت و صنعت را درهم آمیزند. این سنت که بایستی زنده شده و در مساکن و معماری رعایت شود، سنت درونگرایی است.

درونگرایی حاصل محیط است، حاصل جغرافیاست، جغرافیای انسانی و طبیعی. در جغرافیای ایران این درونگرایی شکل گرفته و سینه به سینه نقل شده، تاکنون که به دست ما رسیده است.



تصویر شماره ٤: بکوبها روی درب‌های قدیمی سمت راست برای مردان و سمت چپ برای زنان

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

«اصولاً در ساماندهی اندام‌های گوناگون ساختمان، بویژه ساختمانهای سنتی، باورهای مردم بسیار کارساز بوده. یکی از این باورها ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درونگرا ساخته است. پیرنیا،۳۵،۱۳۸۷» این موضوع درونگرایی از گذشته‌های بسیار دور و از پایه‌گذاری ایران در این مرز و بوم وجود داشته است.

منتها این فرهنگ چندین هزار ساله در برابر فرهنگی غیر بومی (غربی) که از اهدافش عریان سازی است مدتهاست رنگ باخته اما هنوز خمیرمایه آن باقی است که امید می رود معماران و طراحان شهری آنها را زنده ساخته و بصورت بهینه و به روز، در ساخت بناها استفاده کنند.

«برخی گمان کرده‌اند که آئین پاک اسلام با گریز و پرهیزی که به همراه داشته مردم مسلمان ایران را درونگرا کرده است، اما کاخهای تخت جمشید و کوشکهای زمان ساسانیان گواهی می‌دهند که ایرانی همیشه درونگرا بوده است و می‌خواسته که چون شب، در خانه، با خانگیان خود، دور از نگاه بیگانه، آرام بیاساید. همان، ۳۱۶»

این درونگرایی در حجاریها هم به خوبی هویداست به گونه‌ای که در آثار مرودشت به چهره هیچ زنی بر نمی‌خوریم مگر در "نقش رجب"، که وجودش آنجا هم نمای پشت صحنه است.

«در کاخ شوش نیز درونگرایی دقیقاً رعایت می‌شده حتی در و پنجره‌های تالارها، همگی رو به میان سرا داشته‌اند. پیرنیا، ۱۳۸۷، ۸۵»

«در ایران در میان خانه، باغچه و استخری می‌ساخته اند و اتاقها و تالارها را چون آغوشی بسته گرداگرد آن می‌چیده‌اند. در بارو و دیوار بیرونی، پنجره و روزنه‌ای نبوده تا بتوان از درون بیرون را دید. گویا معماران ایرانی این روش را از عارفان هم میهن خود فرا گرفته بودند که به برون کاری نداشته و درون را می‌نگریسته‌اند. پیرنیا، ۱۳۸۷،۸۵» بنابراین به این نکته می‌رسیم که «حجاب» در معماری سنتی ایرانی به خوبی رعایت می‌شده از دوران کهن تا قرن معاصر و قبل از غربی شدن ساخت و سازها.

برخی گمان کرده‌اند که آیین پاک اسلام با گریز و پرهیزی که به همراه داشته مردم مسلمان ایران را درونگرا کرده است، اما کاخهای تخت جمشید و کوشکهای زمان ساسانیان گواهی می‌دهند که ایرانی همیشه درونگرا بوده است و می‌خواسته که چون شب، در خانه، با خانگیان خود، دور از نگاه بیگانه، آرام بیاساید

در نقشه تخت جمشید و اجزا و کاخهای آن، درونگرایی به خوبی دیده می‌شود که هر ساختمان دارای فضاهای خدماتی و راهرو بوده و نیاز به فضاهای دیگر نداشته‌اند. این امر به دلیل باور ویژه‌ای است که در آن زمان به «حجاب» داشته‌اند. این «حجاب» که ریشه در این آب و خاک داشته پس از اسلام بر آن صحه گذاشته شد و قطعاً نمی‌توان گفت که این درونگرایی حاصل فتح ایران به دست اعراب مسلمان بوده است. چنانکه در سایر موضوعات هم دین اسلام پس از گسترش، با سنتهای عقلانی مخالفتی نداشته، که برآن صحه گذاشته و یا ترویج هم کرده است. رعایت «حجاب» در سکونتگاهها هم یکی از این موارد است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

«از جملـه اصـول و ضـوابطی کـه در شهرسـازی اسلامی رعایت می شده می‌توان از موارد زیر نام برد:

۱- اصل محرمیت و پوشیدگی اسـت کـه برمبنـای این اصـل بـه مهندسـان و شهرسـازان اسـلامی گوشـزد می‌کند که بناها و مساکن در شهر اسلامی باید به طریقی بنا شود که ضـمن بهـره‌منـدی از فـضاها، پوشـیدگی و حجاب زندگی فردی و خصوصی تبیین شود؛

۲- اصل حرمت سـاخت بناهـای مرتفـع بـر ایـن اساس بلند مرتبه سازی در شـهر اسـلامی نبایـد حـریم خصوصی افراد را از بین ببرد. صابری فرد،۷۱»

«در خانه‌های کاملتر، زنـدگی خـصوصی بـه طـرز زیبایی با زندگی عمـومی از هـم جـدا شـده کـه شـامل عناصری از قبیل بیرونی و اندرونی بـوده اسـت. پیرنیـا، ۱۳۷٤، ۱۵۸» در انـدرونی اهـل حـرم (زن و بچـه‌هـا) زندگی می‌کرده‌اند و بیرونی محلی بوده برای ارتبـاط بـا اغیار، امـا محترمانـه و مودبانـه. ایـن معمـاری حتـی در ساختمانهای برونگرا مانند کوشکهای میان باغها رعایـت می‌شده و درونگرایی را رعایت می‌کرده‌اند. این مورد را می‌توان در خانه زینت الملک (قوام، شیراز) که با فاصله یک کوچه ۵ متری از نارنجستان قوام جدا شده مشاهده کرد. البته خانه زینت الملک کـاملاً اسـتقلال داشـته و از راه زیر زمین (تونل) این دو بنا به هم ارتبـاط داشـته‌انـد که در حال حاضر بسته شده است.

ورودی ارگ کریمخانی هم بدین گونـه اسـت. در ارگ کریمخـانی از درب اصـلی بلافاصـله وارد حیـاط نمی‌شویم بلکه پس از گذشتن از یک محیط سربسـته و سکودار (برای نشستن و در انتظار اجـازه ورود مانـدن) باید به سمت راست پیچیـد و پـس از گذشـتن از یـک فضای بدون درب، حیاط را دید البتـه نـه همـه فـضای داخلی حیـاط را. چـون درختـان مـانع مـی‌شـوند. ارگ کریمخـانی در حقیقـت، انـدرونی کریمخـان بـوده و خلوت خدای خانه بنابراین، در آن به خوبی «حجاب» رعایت شده است. امـا در عمـارت کـلاه فرنگـی کـه محل اداری کریمخان بوده این «حجاب» وجود ندارد. چون این عمارت یک کوشک (PAVILION) است و محل عبور و حضور اغیار .

«جوامع اسـلامی همگـی دارای احـساس عمیـق پوشیدگی و خلوت شخصی هـستند کـه در معمـاری سنتی آنان بازتاب می‌یابد به نحوی که خانه‌ها، چهره-ای اندرونی و باطنی دارند. بنابراین معماری درونـزای شهری در هر کشوری بازتابی از مفهوم مکان در ذهن انسانهای آن کشور، اشکال زندگی اجتماعی و سازمان اجتماعی آن است. صابری، ٦۹»

فرهنگ برونگرایی

برونگرایی حاصل و ره‌آورد فرهنگ غربی است، فرهنگی که توجه‌اش به بیرون و برونگرایی است. این فرهنگ همراه با ماشین و سایر مظاهر زندگی صـنعتی وارد این مرز و بوم شد و شالوده معماری ایران را فرو ریخت که متاسفانه، پایانی بر آن متصور نیست. عریان سازی حاصل خودنمایی صنعتی است و صـنعت هـم بدون پدیده مدگرایی رشد و توسعه نمی‌یابد.

«با این همه، روند معماری و هنر ایـن سـرزمین که تا زمان فتحعلی شاه و محمد شاه همچون زنجیری پیوسته بود، بر اثر خودباختگی فرهنگـی بـه ویـژه در زمان ناصرالدین شـاه از هـم گسـست و بـه پـسرفت دچار شد. پیرنیـا، ۱۳۷٤، ۳٤۹» ایـن پـسرفت تـاکنون بشدت ادامـه دارد و بـه جـای آن پیـشرفت معمـاری غربی است که نه در معماری بلکه در تمامی سـاخت و سازهای دیگر هم رسوخ کرده است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

درونگرایی و اصل بازگشت به خویش

حتی غربیها از ایـن برونگرایـی دلـزده شـده و بـه سوی درونگرایی گام برمی‌دارند. «در حـالی کـه کیفیـت عرصه عمومی در حال تنزل است عرصه خـصوصی بـا تاکید برحریم خصوصی، خلوت گزینی، آسایش فـردی، مصرف شخصی و امنیت فـردی رو بـه افـزایش اسـت. تیبالدز، ۱۳۸۷، ۱۶» در اینجا مخالفـت و یـا مـوافقتی بـا فرهنگ برهنگی و عریان‌سازی نداریم. نظر ما این اسـت که فرهنگ برهنگی و عریان سـازی و بـی «حجـاب» در معماری، ریشه در این جغرافیا ندارد.

این درونگرایی (آسایش فردی و خانوادگی) هنـوز هم در این مرز و بوم خودنمایی می‌کند اما در حال کـم رنگ شدن است.

نمونه‌های عینی

۱- در سـال ۱۳۷۱ از سـوی دانـشگاه اصـفهان در سفری علمی به دیـدار شـهرک جدیـد مجلـسی رفتـیم. تفکیک منـازل از هم بـا فضای سبز، آنهم چمن صورت گرفته بود. پـس از مـدتی شـهرک آمـاده پـذیرایی از مهاجران شد که بیشتر جوان و یا بدون فرزند مدرسـه رو بودند. اغلب خانه‌ها واگذار شدند اما پس از مدتی تخلیه ناگهانی آغاز شد. به دنبال چون و چراها رفتند. یکی از این دلایل این بود که منازل «حجـاب» ندارنـد و عریان‌اند و حیاط خصوصی در کـار نیـست و قـس علیهذا. بازخورد این بود که؛ چمنها کنده شـدند و بـه جـای آنهـا دیوارهـای ۲متـری بـا بلوکهـای سـیمانی سربرافراشتند و منازل بطور واقعی درونگـرا شـدند و دارای در و دروازه، قفل و کلید، امنیت و «حجاب».

۲- به کرات در شـهرهای مختلـف دیـده مـی شود که ایوان آپارتمانها را با حصیر، سیمهای شبکه‌ای و ورقهای فلزی پوشانده‌انـد. سـوال اینجاسـت: چـرا معماران ما خلق وخوی مـردم خـود را بـه فراموشـی سپرده‌اند؟ پنجره‌ها و یا ایـوان‌هـای بـدون «حجـاب» ره‌آورد فرهنگ غـرب اسـت و در ایـن دیـار کـارآیی مطلوبی ندارد. این اعتقاد را با ملقمه سـنت و صـنعت می‌تـوان در معماری امروزین بکـار گـرفت. متاسفـانه



تصاویر شماره ۵ ، ٦ و۷: پرده، نرده، شبکه و شیشه برای رعایت پوشیدگی و حجاب برخلاف معماری روز

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

به کرات در شهرهای مختلف دیده می‌شود که ایـوان آپارتمانها را با حصیر، سیمهای شـبکه‌ای و ورقهـای فلزی پوشانده‌اند. سوال اینجاست: چرا معمـاران مـا خلق وخوی مردم خود را به فراموشـی سـپرده‌انـد؟ پنجره‌ها و یا ایوان‌های بدون «حجاب» ره‌آورد فرهنگ غرب است و در این دیار کارآیی مطلوبی ندارد

آنگونه که شاهدیم در ایـران زمـین، سـنت معمـاری در برابـر انسانـساختهای صـنعتی رنـگ باختـه و بـه بوتـه فراموشی سپرده شده است.



تصویر شماره ۸: پـس از ورود بـه هـشتی از درب اول سـه درب دیگر باز می‌شود که هرکدام منتهـی بـه یـک خانـه و حیاط بزرگ می‌شوند

«اکنون می‌بایست از نکات مثبت معماری گذشـته، بویژه، خانه‌هـا، بهـره بـرد و آن را بـا روش‌هـای نـوین ساختمانی و نیاز امروز مردم هماهنگ ساخت. مـا بایـد به فکر معماری روستاها و شهرهای کوچک نیز باشـیم، همه چیز در تهران خلاصه نمی‌شود. پیرنیا، ۱۳۸۷، ۳۴۹»

ساخت مساکن، پدیده‌ای فرهنگی-اجتماعی اسـت که حاصل گذشته‌های دورند. گذشته‌ای که در جای جای این مرز و بوم هم اکنون وجـود دارنـد و بـه آسانی نمی‌بایست در برابر فرهنـگ غیـر، اسـتحاله شده و رنگ فرهنگ بیگانه به خود بگیرد که در آن صورت بصورت وصله‌ای ناچسب در می‌آید

نتیجه

جغرافیای انسانی و طبیعی یک مکان در آفرینش انسانساختهایی همچون مساکن، کاخ‌ها و مساجد نقش اصـلی را بـازی مـی‌کنـد و نـسلهای فعلـی و آتـی ناخودآگـاه ایـن امـر را بـه ارث مـی‌برنـد. ترکیـب جغرافیای انسانی و طبیعی اسـت کـه سـکونتگاهها را بوجود می‌آورد. مدل‌های غیربومی هم عمدتاً بـا ایـن جغرافیا ناسازگارند که پدیده‌های منفـی زیـادی را بـه دنبال دارند، مگر اینکه در زیـر چتـر مـدلهای بـومی، بهینه و به روز شـوند کـه در کـشور مـا ایـن فرآینـد مطلـوب نبـوده اسـت. مـثلاً درونگرایـی و رعایـت «حجاب» که سالیان دراز است در ساخت مـساکن در این دیار رعایت می‌شدند اکنون به کناری گذاشته شده و تبدیل شده‌انـد بـه آشـپزخانه‌هـای اوپـن و هـال و پذیرایی متصل به هم که بـا فـرش و قـالی هماهنـگ باشند و ... عریان‌سـازی. سـاخت مـساکن، پدیـده‌ای فرهنگی-اجتماعی است که حاصل گذشته‌های دورند. گذشته‌ای که در جای جای این مرز و بوم هم اکنـون وجود دارند و به آسانی نمی‌بایست در برابـر فرهنـگ غیر، استحاله شده و رنگ فرهنگ بیگانه به خود بگیرد کـه در آن صـورت بصورت وصـلـه‌ای نـاچـسب در

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

می‌آید. اعتقاد بر این است که فرهنگ معماری شـهری و روستایی در این دیار از چنان استخوان‌بنـدی برخـوردار است که می‌توان آنها را با بهینه‌سازی در دنیـای صـنعتی فعلی بکار گرفت. شاید بتوان به این بهینه‌سازی "نهضت بازگشت به خویش در معماری" نام نهاد.

پی‌نوشت

۱- عمارت ویلایی(کوشک) که درون یک باغ بنـا شـده باشـد مثل عمارت کلاه فرنگی که در شیراز در باغ نظر بنا شـده اسـت و یا عمارتی که در وسط نارنجستان سعدی بنا شده و یا عمارت باغ ارم

۲- دیواری است که بعـد از درب ورودی بـرای جلـوگیری از دید مستقیم ایجاد می‌شده است

منابع

- پیرنیا، محمدکریم، معماری اسلامی ایران، دانشگاه علـم و صنعت، تهران، ۱۳۷٤.
- پیرنیا، محمـد کـریم، سـبک شناسـی معمـاری ایرانـی، تدوین غلامحسین معماریان، نشر سروش دانش، تهران، ۱۳۸۷.
- تری ولستر، مقدمه‌ای بـر جغرافیـای فرهنگـی-ترجمـه تولایی و سلیمانی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، تهران، ۱۳۸۰.
- تیبالدز، فرانسیس، شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، نشرخاک، تهران، ۱۳۸۷.
- سعیدی رضوانی، عباس، بیـنش اسـلامی و پدیـده‌هـای جغرافیایی، آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۲.
- زارعی، محمد ابراهیم، آشنایی با معماری جهان، نشرفن آوران، تهران، ۱۳۸۷.
- سلطانزاده، حسین، روند شکل‌گیـری مراکـز مـذهبی در ایران، انتشارات آگاه، تهران،۱۳٦۲.
- شکویی، حـسین، جغرافیـای اجتمـاعی شـهرها، جهـاد دانشگاهی، تهران، ۱۳٦۹.
- شـکویی، حـسین، دیـدگاههای نـو در برنامـه‌ریـزی شهری، سمت، تهران، ۱۳۷۳.
- صابری فرد، رستم، تاریخ علم برنامـه‌ریـزی شـهری، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۷.
- کلیف، مـاگتین، طراحـی فـضاهای شـهری، ترجمـه نارسیس سهرابی، انتشارات ثامن الحجج، تهران، ۱۳۸۷.
- کیـانی، محمـد یوسـف، معمـاری ایـران در دوره اسلامی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۷.
- موسـویان، محمدرضـا، اصـول و مبـانی معمـاری و شهرسازی، انتشارات آذرخش، ۱۳۸۷.
- نظریان، اصغر، جغرافیـای شـهری ایـران، پیـام نـور، تهران، ۱۳۷٤.
- هیلن برند، روبرت، معمـاری اسـلامی، ترجمـه بـاقر آیت‌الله زاده، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۸۷.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]